آینه

• دیروز چندین روزنامه ایرانی سرمقاله خود را به متنی واحد، در «دفاع از آزادی» اختصاص دادند. این سرمقاله به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. از جمله این روزنامه‌ها می‌توان به ایران، اطلاعات، همشهری و سازندگی اشاره کرد. مختصری از آن را در ادامه می‌خوانید:

دفاع از آزادی

• «ما این حقایق را بدیهی می‌انگاریم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب‌ناشدنی معینی به آنها اعطا کرده است که حق زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی از جمله آنهاست.» توماس جفرسون / اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا

درست ۲۴۲ سال پس از آنکه توماس جفرسون، نویسنده اعلامیه استقلال ایالات متحده جمله فوق را بر تارک اعلامیه استقلال و سپس قانون اساسی امریکا نهاد، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده امریکا روز ۸ مه ۲۰۱۸ در برابر چشم میلیاردها انسان، قانون اساسی ایالات متحده، قوانین بین‌المللی و حقوق طبیعی و ذاتی بشر یعنی «برابری انسان‌ها و حق سلب‌ناشدنی زندگی، آزادی و جست‌وجوی خوشبختی» را به شکل ویرانگری زیر پا گذاشت. ترامپ در اقدامی یکجانبه و خلاف اصول روابط بین‌الملل از توافقنامه برجام خارج شد و اعلام کرد به‌صورت یکجانبه تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران اعلام و اجرا خواهد کرد. این موضوع نیازی به دانش گسترده سیاسی و حقوقی ندارد که وقتی دولتی پای موافقت‌نامه بین‌المللی را امضا می‌کند، در صورت برگزاری انتخابات و تغییر رئیس دولت، آن موافقت‌نامه به قوت خود باقی است و تغییر دولت، نه شرط لازم و نه شرط کافی برای نقض یک پیمان بین‌المللی است... ما به‌عنوان روزنامه‌نگارانی مستقل، از همه همکاران آزاداندیش خود در سراسر جهان- علی‌الخصوص روزنامه‌نگاران آزاداندیش جهان غرب- می‌خواهیم با شجاعت و جسارت و بدون تأثیرپذیری علی‌الاطلاق از دولت‌ها، در برابر خدشه‌دارکردن اصول آزادی انسانی، که حاصل مرارت‌های نوع بشر در طول هزاران سال است، سکوت نکنند و حقیقت را همچون جان لاک که فریاد زد: «زندگی، آزادی و حق مالکیت، ارزش‌های اساسی و مافوق قانون است» با صدای بلند فریاد بزنند و نگذارند محصول اندیشه آزادی‌خواهانه اندیشمندانی چون توماس جفرسون، جان دیویی، والتر لیپمن، آبراهام لینکلن، ماهاتما گاندی، مارتین لوترکینگ، نلسون ماندلا، جان استوارت میل، فردریش هایک، کارل پوپر، آیزایا برلین، هانا آرنت، فرانسیسکو فوکویاما و دیگر کنشگران و اندیشمندان راه آزادی، به طرز رعب‌آوری به باد سپرده شود...

آفتاب

آقای رئیس جمهور! مردم خردسال نیستند

• **در گفت‌وگو با صادق زیباکلام:** سخت است گفتن این مهم که رئیس‌جمهور دیروز پس از این‌همه فاصله با جامعه و ضربه به امید مردم باز هم چیزی در چنته نداشت. زیرا در حالی که انتظار می‌رفت او این‌بار با یک رویکردی جدی و اثرگذار درباره مسائل مهم کشور و عبور از مشکلات در دانشگاه تهران خطاب به دانشجویان و جامعه نطق کند اما تنها با افزودن واژه‌های جدید مثل امیددرمانی باز هم از امیدهای واهی، باور به آینده و عبور از مشکلات سخن گفت!... روحانی با وعده‌ها و سخنان ناامیدکننده‌اش این آرا [۲۴ میلیون رأی سال ۹۶] را نابود کرده است.

کیهان

راز گستاخی دشمن را کجا جست‌وجو کنیم؟

• **جعفر بلوری:**... رفتارهای مشابه دیگری را می‌توان مثال زد که غالبا با هدف «قانع کردن حریف به عدم انجام یک عمل» با «بالا بردن هزینه» و بطورکلی «بازدارندگی» صورت می‌گیرند. وقتی رژیم صهیونیستی اعلام می‌کند، به ازای هر عملیات استشهادی فلسطینی‌ها، ده‌ها خانه و شهرک خواهند ساخت، یا راهپیمایی مردم در غزه را با جنگنده! پاسخ می‌دهند یا در پاسخ به یک حمله موشکی، ده‌ها موشک پیشرفته بر سر مردم فلسطین می‌ریزند یعنی، به دنبال بازدارندگی و افزایش هزینه برای حریف هستند. این نوع واکنش‌ها صرفنظر از درست یا غلط‌بودن، معمولا مرسوم است و کشورها برای درامان‌ماندن از خطرات و تهدیداتی که ممکن است از سوی کشوری متوجه آنها شود، با رفتار یا حتی گفتار به حریف نشان می‌دهند «هزینه خواهد داد.» همه این اقدامات و تهدیدات برای بازدارندگی است. برخی سیاستمداران اما به عکس این سیاست معتقدند. معتقدند دشمن هرقدر تهدید کرد، خیانت کرد، حتی از مرحله تهدید فراتر رفت و تحقیر کرد یا حتی اگر عواملش را به خاک کشورت فرستاد و مردمانت را در روز روشن به گلوله بست، نباید کاری کرد که موجب بازدارندگی شود! اگر هم کاری می‌کنند، در حد اعتراض توییتری، محکومیت زبانی باشد یا حداکثر در حد شکایت در مجامع بین‌المللی. مجامعی که قوانینش هیچ ضمانت اجرائی ندارد و فقط می‌توان از احکامش استفاده سیاسی کرد. همین! به مواضع این تیپ از سیاستمداران اگر رجوع شود، تاکید زیادی روی «عقلانیت» و «قانون» و «دیسیپلین» دارند... نمی‌گوییم مذاکره نباشد. نمی‌گوییم اولین واکنش حمله نظامی باشد. می‌گوییم وقتی مذاکره جواب نداد، حریف شمشیر را از رو بست، شمشیر را از رو ببندید. تهدیدها و ضربات دشمن را بی‌پاسخ نگذارید.

politics@sharghdaily.ir

حسن بیادی: به نظر نمی‌رسد جلسه‌ای برگزار شود

ناامیدی اصولگرایان از ملاقات با روحانی

شرق: اصولگرایان منتظرند تا روحانی به آنها فرصت دیدار بدهد. البته هنوز برخی از کان لم یکن شدن این دعوت خبر می‌دهند و برخی هم می‌گویند اصلا دعوت نشده‌اند. دو هفته پیش رئیس‌جمهوری با جمعی از اصلاح‌طلبان دیدار کرد. چهره‌های حزبی و غیرحزبی. در پی این دیدار، روزنامه دولتی ایران از دیدار روحانی با اصولگرایان در هفته آینده خبر داد؛ اتفاقی که هنوز رخ نداده است. همان زمان هم محمدرضا باهنر خبر داد که جمعی از اصولگرایان با واعظی، رئیس دفتر روحانی، دیدار داشته‌اند؛ به‌زودی نوبت ملاقات آنها با رئیس‌جمهوری هم می‌رسد. باهنر گفته بود: ما ارتباطات دائمی با نمایندگان دولت داریم. در جلسه با واعظی او از اصولگرایان نیز درخواست کمک کرد. بالاخره دولت از نظر مشورتی کمک می‌خواهد و ما نیز آماده‌ایم که در این راه به دولت کمک کنیم. همه اینها در حالی است که تاکنون هیچ اصولگرایی دعوت‌نامه ملاقات با حسن روحانی را دریافت نکرده است؛ تاجایی‌که حسن بیادی از احتمال کان لم یکن شدن این دیدار خبر داده است. نامه‌نیوز به نقل از حسن بیادی، دبیرکل حزب آبادگران جهادی، نوشته است: «به نظر نمی‌رسد که این ملاقات صورت گیرد و در صورت تحقق هم به علت تشریفاتی‌بودن نتیجه‌ای را در بر نخواهد داشت. بیادی گفته است که جلسات قبل نیز این‌گونه بوده است. او با اشاره به جلسه دو هفته پیش اصلاح‌طلبان با روحانی گفته است: «متأسفانه خبر زیادی ندارم؛ اما آنچه از ظواهر جلسه پیداست و همچنین با توجه به مطالبی که از سوی دیگران بیان شده است، این جلسه نتیجه خاصی نداشته است.

در روزهای گذشته سخنگوی جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری (جبهه‌ای متشکل از ۱۸ تشکل اصولگرا) و برخی چهره‌های حزب مؤتلفه مانند حمیدرضا ترقی و نبی حبیبی هم گفته‌اند که تاکنون هیچ دعوتی از آنها برای دیدار با رئیس‌جمهوری به عمل نیامده است. سیدکمال سجادی، از جبهه پیروان خط امام و رهبری، با تاکید بر اینکه اصولگرایان از ملاقات با رئیس‌جمهور استقبال می‌کنند، افزود: اگر چنین ملاقاتی در نظر گرفته شود، اصولگرایان و جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری استقبال می‌کنند و برنامه‌ای منسجم برای این جلسه ارائه خواهند کرد.

در ترسیم مناسبات روحانی و اصولگرایان می‌توان این جریان سیاسی را به سه گروه تقسیم کرد؛ گروه اول همان یاران قدیمی روحانی هستند؛ چهره‌هایی مانند ناطق‌نوری و لاریجانی. گروه دوم در میانه ایستاده‌اند؛ نه مخالف سرسخت روحانی‌اند، نه حامی سفت و سختش. گاهی از او دفاع می‌کنند و گاهی انتقاد؛ اما گروه سوم متشکل از منتقدان و مخالفان سرسخت است

غلامرضا مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، هم از این خبر اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته بود: نه‌فقط جزئیات بلکه از کلیات این دیدار هم خبری به دست ما نرسیده است. در همین راستا مهدی چمران، نایب‌رئیس جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی، نیز از این جلسه ابراز بی‌اطلاعی کرده و حسین کنعانی‌مقدم، عضو شورای مرکزی خانه احزاب ایران و دبیرکل حزب اصولگرای سبز، نیز از این دیدار اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفت که تاکنون خانه احزاب خبری دراین‌باره دریافت نکرده است.

بااین‌حال محمود واعظی در پاسخ به این سؤال که آیا از همه طیف‌های اصولگرا دعوت می‌شود؟ گفت: احتمالا طیف‌های معتدل‌شان باید باشند. دولت هر طرز تفکری که مشی اعتدالی داشته باشد، از خود و همکار خود می‌داند و با آن مشورت می‌کند. جلسه‌ای که رئیس‌جمهور می‌خواهد بگذارد، جلسه مشورتی با صاحب‌نظران در دانشگاه، بخش خصوصی و سیاسیون است و از نظر و دیدگاه آنها می‌خواهد برای اداره بهتر کشور بهره بگیرد؛ بنابراین فکر می‌کنم از معتدل‌ها هستند. واعظی درباره اینکه مؤتلفه اعلام کرده برای دیدار اصولگرایان با رئیس‌جمهور دعوت نشده، گفت: ما هنوز کسی را دعوت نکرده‌ایم. البته مؤتلفه را همسو با جبهه پایداری نمی‌دانیم. جبهه پایداری خیلی مخالف دولت است. نمی‌دانم حالا؛ بعید است.

در ترسیم مناسبات روحانی و اصولگرایان می‌توان این جریان سیاسی را به سه گروه تقسیم کرد؛ گروه اول همان یاران قدیمی روحانی هستند؛ چهره‌هایی مانند ناطق‌نوری و لاریجانی. گروه دوم در میانه ایستاده‌اند؛ نه مخالف سرسخت روحانی‌اند، نه حامی سفت و سختش. گاهی از او دفاع می‌کنند و گاهی انتقاد؛ اما گروه سوم متشکل از منتقدان و مخالفان سرسخت است. طبیعتا برخی اصولگرایان مانند پایداری‌ها و حامیان آنها که اساسا موجودیت سیاسی و بازگشت به قدرت خود را در تقابل با روحانی و حامیانش می‌بینند، در این دسته جای می‌گیرند. گروهی که در اصولگرایانه‌ترین مواضع و اقدامات روحانی هم تشکیک کرده و ساز مخالف می‌زنند.

علم‌الهدی: ثابت کرده‌ام که ضد هنر نیستم

پاسبان حرم امام رضا (ع) هستم، اجازه اباحه‌گری نمی‌دهم

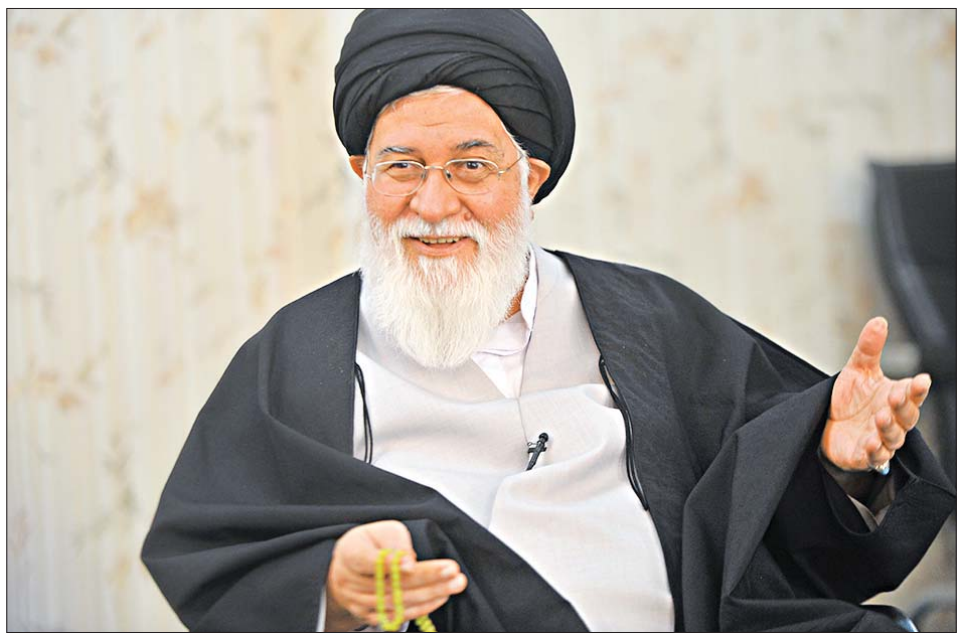

حجت‌الاسلام علم‌الهدی، نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی، گفته است «من ضد هنر نیستم و این را ثابت کرده‌ام»، اگرچه او نشانه‌هایی مبنی بر این اثبات ارائه نکرده است. او پیش از این هم در گفت‌وگویی گفته بود: «در دوران جوانی دنبال نوشتن بعضی پیس‌های تئاتر بودم»، دیروز هم گفته است: «فیلم می‌بینم و این جزء برنامه مرتب بنده است، اما سینما نمی‌روم و فیلم را در منزل می‌بینم». اگرچه او نگفته که چه فیلم‌هایی می‌بیند یا آخرین فیلمی که دیده است چیست. با وجود این گویا آب علم‌الهدی و یکی از رشته‌های هنر یعنی موسیقی و اجرای زنده آن یعنی کنسرت در یک جوی نمی‌رود. چون دیروز نیز همان سخنان پیش‌گفته را درباره موسیقی تکرار کرده است. آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی با تأکید بر اینکه باید هویت شهر امام رضا (ع) محفوظ بماند، اظهار کرد: اجرای برنامه‌هایی با هویت امام رضا(ع) در مشهد مقدس منافاتی ندارد، اما برنامه‌های اباحی‌گری نباید در مشهد مقدس اجرا شود. وی با بیان اینکه شادی حرام نیست، افزود: حتما در شادی باید فساد و فسق‌وفجور باشد؟ ما با فسق‌وفجور مخالف هستیم و نه با شادی. کسی نمی‌تواند منکر معجزه هنر هفتم شود؛ موسیقی به‌عنوان یک هنر در استخدام ارزش‌های دین اثر بالایی دارد، اما با ابتذال مخالفیم. نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی با ابراز اینکه «از اصول خود دست برنمی‌دارم»، تأکید کرد: بنده پاسبان حرم امام رضا (ع) هستم و از هیچ‌چیز هراس ندارم و نباید اجازه دهم آنها با هویت مشهد بازی کنند.

نگاهی به مواضع پیشین امام جمع مشهد

• مشکل امروز جوانان برگزاری کنسرت نیست

• مسئله کنسرت، مسئله موسیقی نیست؛ درباره موسیقی مراجع فتوا داده‌اند و شما براساس فتوای مرجع خود حلال و حرامش را تشخیص می‌دهید. مشکل کنسرت، حواشی آن است.

• بنده نه‌تنها با نقاره‌خانه امام رضا (ع) مخالفت ندارم، بلکه با ۲۰ آموزشگاه بزرگ موسیقی که امروز در مشهد مشغول به فعالیت هستند هم مخالفت نکرده‌ام. بعضی آموزشگاه‌های موسیقی مشهد از آموزشگاه‌های تهران هم وسیع‌تر هستند. بنده با فسق‌وفجوری که در حاشیه کنسرت صورت می‌گیرد و جریانی است که نسل جوان ما را به فساد می‌کشاند، مخالفم.

• جوان ما تشکیل خانواده نداده و درآمد ثابت ندارد و آیا واقعا با برگزاری کنسرت مشکلش حل است؟ اگر بناست یک جریان هنری در کشور به نام هنر موسیقی شکل بگیرد باید برایش ساز و کاری تعبیه کنند که با ابتذال همراه نباشد و وضع فعلی با ابتذال همراه است.

• من نگفتم اجرای کنسرت در مشهد حرام است... مشهد حرم امام رضا (علیه‌السلام) است... مجوز اجرای هر برنامه فرهنگی در حرم امام رضا (علیه‌السلام) باید در شأن این محل باشد... مجوز اجرای کنسرت بر عهده شورای فرهنگ عمومی است و من در این شورا هیچ‌کاره‌ام.... مسئولین جرئت ندارند بگوید تصویب نشد، می‌گویند امام جمعه نگذاشت!

• کنسرت در ایران با ابتذال همراه است و در مشهد بی‌حرمتی و جسارت به امام رضا (ع) است.

• سخن از موسیقی می‌شود می‌گویند موسیقی مقامی و موسیقی ایرانی، درحالی‌که موسیقی مقامی موسیقی‌ای بوده است که ناصرالدین‌شاه از شب تا صبح با میگساری با آن سر می‌کرده است و این موسیقی که قبلا همه آن را حرام می‌دانستند، حالا حلال شده است!

• عده‌ای موسیقی ایرانی را درست و موسیقی خارجی را باطل می‌دانند، این مسئله صحیح نیست، چراکه در برخی موارد موسیقی خارجی از بسیاری از موسیقی‌های داخلی‌مان بهتر است.

• بعضی از کنسرت‌ها بلیت‌هایشان ۷۰ هزار تومان است و افرادی که این بلیت را خریداری می‌کنند، یک اقلیت هوس‌باز شهوت‌ران هستند و باید گفت شما به‌عنوان کسی که مسئولیت در نظام دارید، می‌خواهید مسیر را برای شهوت‌رانی باز کنید... .

• دین حداقلی مربوط به ما نیست؛ برای مثال همه دیدند که در مشهد به‌خاطر لغو یک کنسرت جریانات و برنامه‌های زیادی ایجاد شد؛ بحث ما این بود که موسیقی با کنسرت تفاوت دارد و نباید در حریم حرم امام رضا مطرب‌بازی راه انداخت.

• بنده حرفم این است که اینجا حرم امام رضا (ع) است. در حرم امام رضا (ع) نباید ابتذال اجرا شود. بنده با ابتذال در حرم امام رضا (ع) مخالفم. افرادی که با ما مخالفت می‌کنند، یک عده موسیقی‌دان‌هایی هستند که اصل نقطه هدف ما را نمی‌دانند. وقتی می‌آیند با ما صحبت می‌کنند، خودشان قانع می‌شوند و می‌بینند حق با ماست. یک عده از مخالفان ما هم عده‌ای از جوان‌ها هستند.

• بحث این نیست که اینجا یک کنسرت یا دو کنسرت اجرا شود. بحث بازار کنسرت است. این جریان قدرت و ثروت می‌خواهد اینجا را تبدیل به محل سرمایه‌گذاری برای تمام فعالیت‌های فسق‌وفجور کند، به‌خاطر اینکه فکر می‌کند مشتری خود را اینجا دارد. ۳۲ میلیون آدم می‌آیند اینجا که فراغت دارند به‌دنبال این کارها بروند. چهار میلیون خارجی هم می‌آیند که آنها هم همه‌گونه آمادگی را دارند. لذا تنها مسئله کنسرت نیست، اینها مسائل دیگری را می‌خواهند اجرا کنند.

• می‌خواهند مراکز ابتذال و فسق‌وفجور راه بیندازند و بنده مخالفم.

• هنر پرورش‌دهنده احساس است. کنسرت، هنر و موسیقی نیست، ابتذال است.

• کنسرت ظلم به موسیقی است و اینکه یک خواننده بخواند و چند نوازنده بنوازند و پسران و دختران هیجانی شده و عربده‌کشی کنند و به‌دنبال آن فسادهای زیادی ایجاد شود، ابتذال است.

• کنار گنبد امام رضا نمی‌شود کنسرت برگزار شود، این خلاف حیثیت و هویت این شهر است، تو کنسرت می‌خواهی مشهدی نباش، برو یک شهر دیگر زندگی کن. اگر یک آدمی می‌خواهد در یک شهری زندگی کند، در عیاشی‌هایش آزاد باشد، در عملیات فرهنگی‌اش آزاد باشد، در تفریح و خوش‌گذرانی‌اش آزاد باشد، چرا یک شهر زیارتی را انتخاب کرده؟ این شهر را انتخاب کرده که زوار این شهر را بچاپد و همین‌جا عیاشی کند؟

یک دهه از فراق چهره بی‌ادعا و صادق مهندس سعدایی گذشت

سیدعلی تراب‌جهرمی

هنوز ساعت ۱۲ بعدازظهر ۲۴ مهر سال ۸۷ یکی از باورنکردنی‌ترین لحظات زندگی من است، زیرا انسانی بزرگ از خطه جهرم و چهره‌ای صادق در مدیریت کشور و بی‌ادعا در خدمت به مردم بار سفر بست که منش والای او مثال‌زدنی بود؛ هنوز باید بنگریم که چگونه فقدان مرحوم محمدعلی (سعید) سعدایی‌جهرمی را باور کرد... .

مرحوم سعدایی را از دوران کودکی می‌شناختم. نمی‌دانم از کدام ویژگی این خانواده باید بیان کرد، زیرا اخلاق سلیم و اصالت اجتماعی این خانواده خود گویای همه خصلت‌های خانواده مرحوم سعدایی در جهرم است. از هر جهرمی‌ای سؤال کنید، شخصیت خانوادگی مرحوم مهندس سعدایی را به علت سابقه خانوادگی و خدمات پدر مرحوم مهندس سعدایی در دوران حیات ارج می‌نهند، همچنین روضه چندین‌ساله ایام محرم منزل مرحوم سعدایی در جهرم شهره خاص و عام است.

مرحوم سعدایی یک چهره فعال و دوران پیروزی انقلاب در چنین خانواده‌ای پا به عرصه خدمت گذاشته بود و که از نظر تمکن مالی یکی از خانواده‌های بزرگ، اما صادق و نجیب هستند، اما خدمت به مردم را از بزرگان دین آموخته و جزء خصایص اخلاقی خانوادگی خویش می‌دانست و به نظرم خدمت صادقانه و بدون عوام‌فریبی در این روزگار سخت بسیار ارزشمند و کمیاب است.

مهندس سعدایی به علمای بزرگ جهرم و استان فارس مانند آیت‌الله سیدابراهیم حق‌شناس و آیت‌الله آیت‌اللهی، امام‌جمعه فقید جهرم و آیت‌الله شهید دستغیب به‌واسطه نسبت خانوادگی تا آخرین لحظات ارادت ویژه‌ای داشت.

وی در دوران مبارزات پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت و تا آخرین روزهای حیات با آقای غلامرضا صحرائیان چهره‌ای که با نوحه معروف «کاخت کنم زیر زبر یابن مرجانه» چهره انقلابی مردم جهرم را در ایران و جهان پرآوازه کرد، در همه عرصه‌ها دو یار و همراه بودند. در این بین مهندس سعدایی جزء اولین مدیران شورای جهاد سازندگی جهرم به شمار می‌رفت و همین‌طور در دوران استانداری بوشهر مدتی سرپرست استانداری و معاون سیاسی، امنیتی بود. در دیار کرمانشاه سعدایی که آن زمان معاون عمرانی بود، هنوز محبوب و مشهور اهالی این منطقه کردنشین است و در آن دوران برای بازگشایی مرز خسروی برای سفر به کربلا در زمان حکومت صدام تلاش بسیاری کرد و استان فارس به نظرم مهم‌ترین چهره تلاشگر عرصه خدمت صادقانه، به‌ویژه در دوران اصلاحات را از دست داد. وی در مدت کوتاهی در حوزه سیاسی، امنیتی استان فارس در پی تقاضای اقشار مختلف مردم جهرم و چهره‌های سیاسی این استان برای کاندیداتوری جهرم در انتخابات مجلس ششم ثبت‌نام کرد و با رأی قاطع مردم این دیار به مجلس راه یافت.

مرحوم سعدایی در طول خدمت در مسئولیت‌های مختلف و مجلس صادقانه و بی‌ادعا خدمت کرد، اما در راه خدمت به مردم، پرتلاش و فکور و در مسیر آرمان خویش بود و در مجلس ششم جزء چهره‌های نجیب، اما پرآوازه بود و دیدگاه سیاسی خویش و مطالبات یک نماینده واقعی مردم را به‌دور از کاسبی سیاسی و اقتصادی در مجلس در مسیری صادقانه بیان می‌کرد و همین صداقت و نجابت مرحوم مهندس سعدایی در عرصه‌های مختلف، از جمله دولت، مجلس و...، از وی چهره‌ای بی‌ادعا و مخلص در راه خدمت صادقانه به مردم ساخته بود که تا مادامی نام این مرد شهره خاص و عام جهرم و استان فارس و کشور است.

جهرم هنوز به خود می‌بالد که مهندس سعدایی مردانی را همراهی می‌کرد که امروز هرکدام مدیری برای این کشور باشند. هنوز از خدمات حاج‌سعید در عرصه‌های مختلف خدمتگزاری مردم به روشنی یاد می‌کنند و وقتی خاندان معظم آیت‌اللهی و حتی منتقدان، از ادب و اخلاق او و همچنین خدمات وی به نیکی یاد می‌کنند باید به خود بالید که چنین چهره‌هایی در جهرم داشتیم. در یک کلام حاج‌سعید در عین سادگی، دوراندیش و یک مدیر واقع‌بین بود.

این نماینده پیشین مجلس در ارتباط با نسل جوان و توجه به جوانان در مدیریت بسیار اهتمام داشت و این نگرش مرحوم سعدایی نیاز امروز جامعه برای پویایی فردای کشور به شمار می‌رود.

زندگی مرحوم سعدایی (عاش سعیدا و مات سعیدا) را شاید با این شعر باید خلاصه کرد: زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست/ هرکسی نغمه خود خواند و از صحنه رود/ صحنه پیوسته به‌جاست/ خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد... .

ادامه از صفحه اول

ملاحظاتی در باب نظریه الگوی اسلامی-ایرانی

به‌نحوی‌که از هم‌اکنون شعار «رشد و توسعه» بی‌قیدوشرط سابق را به «رشد و توسعه پایدار» مبدل کرده است.

از دیگر ضرورت‌های بازنگری در الگوهای رشد و توسعه موجود، لوازم و تبعات توسعه «بی‌قیدوشرط» علم و فناوری است که از زمان رنسانس و انقلاب صنعتی در زمره آرمان‌های مقدس بشری بوده است و در بسیاری از زمینه‌ها بسیار مفید و راهگشا بوده و شاید به‌همین‌دلیل هم کسی به آثار جنبی بعضا مخرب آنها چندان توجهی نکرده است. امروزه نیز مخاطرات توسعه بی‌رویه تکنولوژی‌های نوین شامل بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، اطلاعات، علوم و فناوری‌های شناختی به حدی است که همه زمامداران و عقلای قوم در شرق و غرب را نگران کرده است.

درهرصورت، به دلیل فرهنگ اسلامی و قومیت ایرانی، نیازمند الگویی اسلامی-ایرانی برای پیشرفت هستیم تا هم با مقتضیات بومی-اقلیمی و هم با فرهنگ، روحیات، خلق‌وخو، باورها و اعتقادات ایرانی-اسلامی سازگار باشد؛ الگویی برگرفته از همه هنجارها و ارزش‌های بیرونی و درونی این قوم، ملت و جهان پیرامون. الگویی مادی و معنوی، علمی و دینی، دنیوی و اخروی، طبیعی و مابعدالطبیعی، جسمانی و روحانی.

چالش‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

عده‌ای نه‌تنها در بین کشورهای اسلامی، منطقه‌ای، اروپایی و آمریکایی، بلکه حتی در داخل کشور مخالف رشد و پیشرفت و ترقی ایران اسلامی هستند؛ مخالفت‌هایی با انگیزه‌های قومی، نژادی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی که واکاوی دلایل هریک از آنها بیرون از حوصله این مقال است. بعضی‌ها از این جهت با پیشرفت به سبک و سیاق ایرانی-اسلامی مخالفت می‌کنند که به غلط فکر می‌کنند این کار ما را از پیشرفت به سبک و سیاق غربی که به عقیده ایشان تنها راه درست پیشرفت و ترقی است، بازمی‌دارد؛ کسانی که بیشتر در جبهه غرب‌گرایان یافت می‌شوند. درحالی‌که ایراد و اعتراض ما به رفاه و ترقی و پیشرفت غرب صنعتی یا علم و صنعت غربی نیست که اگر چنین بود، عین بی‌خردی و بلکه خردستیزی و خردسوزی و ایستادن در مقابل عقل و خردورزی بشری بود! بلکه این شبهه بیشتر متوجه برخی از عوارض و تبعات جانبی این رشد و پیشرفت یک‌بعدی، مادی‌انگارانه و یک‌جانبه‌گرایانه است که تعدادی از خود علما و دانشمندان غربی نیز به ناسودمندی و مخرب‌بودن عوارض و آثار آن اذعان کرده‌اند و از هم‌اکنون با برگزاری انواع و اقسام کنفرانس‌ها و اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در صدد چاره‌جویی و جلوگیری از عوارض بیشتر آن برآمده‌اند. بدیهی است که اگر قرار باشد رشد و پیشرفت به اباحه‌گری جنسی و قرآن‌سوزی و توهین به مقدسات دیگران تحت عنوان آزادی بیان و قانونی دانستن همجنس‌گرایی به بهانه حقوق بشر و تخریب محیط زیست به بهانه پیشرفت اقتصادی و... بینجامد، این وظیفه همه عقلای اقوام و طوایف بشری است که به بررسی و بازنگری هنجارها، عوامل و مقومات فکری و علمی چنین رشد و پیشرفتی بپردازند. به‌هرتقدیر وظیفه روشنفکران، خبرگان و نخبگان ایران اسلامی است که باوجود همه موانع و چالش‌های موجود، به تبیین یک الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت سازگار با علم و عقلانیت، در کنار دین و معنویت، و مبتنی بر فرهنگ و تمدن ایرانی و ایرانیت بپردازند؛ الگویی آینده‌نگرانه، مدبرانه، انسان‌دوستانه و برگرفته از شریعت «سهله و سمحه» نبوی که متضمن رشد و پیشرفت و تکامل و تعالی همه آحاد جامعه باشد.

نتیجه‌گیری

تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت امری ممکن و ضروری است و اصولا داشتن الگوهای مبتنی بر شرایط فرهنگی و اقلیمی هر کشوری از اموری است که به‌اصطلاح تصور آن موجب تصدیقش خواهد بود. همچنین منکر رشد و پیشرفت علمی کشورهای پیشرفته و ملل راقیه عالم نمی‌توان بود، بلکه اعتقاد بر این است که این پیشرفت‌ها بیشتر در زمینه مادی بوده و از نواقص و کمبودهای مخاطره‌آمیزی برخوردار هستند. ما به‌هیچ‌وجه منکر پیشرفت علم و دانش بشری نبوده اما معتقدیم که اصول موضوعه هر علمی مبتنی بر یک سلسله‌باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مقوم پیشینی است که همه استنتاجات و استنباطات علمی ما را رنگ‌آمیزی می‌کنند. به‌همین‌دلیل هم هست که ما با علم سکولار، علم مادی، علم فیزیکال و صدالبته در کنار همه آنها علم دینی، مواجه هستیم. بنابراین نفی صفت دینی‌بودن از علم یا اسلامی‌بودن از الگوی پیشرفت، کار چندان عالمانه و بخردانه‌ای نیست. با عنایت به تعالیم بلند اسلامی هدف غایی از طراحی هرگونه الگوی رشد و توسعه باید تأمین رفاه دنیوی توأم با سعادت اخروی افراد جامعه باشد، چه اینها دو بال تأمین رفاه و آرامش و آسایش مادی و معنوی اولاد آدم هستند و درنظرگرفتن یکی بدون دیگری موجب علم و پیشرفت منسلخ از وحی، و انسان منقطع از اخلاق و فضیلت و تهی از معنویت، می‌شود.